

## نقش برنامه‌های درسی در رشد مهارت‌های شغلی، انتظارات‌های شغلی و شانس اشتغال از دیدگاه دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی

مریم اکیدی، عبدالله پارسا\*، حسین الهام پور

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

### چکیده

تحقیق پژوهش حاضر با هدف بررسی و ارزیابی ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد رشته‌های کشاورزی نسبت به برنامه‌های درسی خود در طول دوره تحصیلی و تأثیر آن بر رشد مهارت‌های شغلی و شانس اشتغال آینده آنان انجام شده است. ۲۷۴ نفر نمونه آماری تحقیق از میان ۵۷۷ نفر از دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز تا سال ۱۳۹۷ به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. با استفاده از پرسشنامه مقدم (۱۳۹۲) داده‌ها گردآوری و تحلیل شد. روایی شکلی پرسشنامه با نظرخواهی از استادان متخصص ( $r = 0/73$ ) تأیید شد و ضریب آلفا کرونباخ  $0/89$  نشانه پایایی قابل قبول این پرسشنامه است. فراوانی‌ها نشان داد که بیش از ۸۲ درصد شرکت‌کنندگان بیکار بودند. نتایج تحلیل رگرسیون بیانگر آن است که ادراک شرکت‌کنندگان نسبت به تحصیل و انتظارات‌های شغلی، بیش از ۴۶ درصد واریانس مهارت‌های شغلی را پیش‌بینی می‌کند و ادراک مثبت به برنامه‌های درسی، اثر مثبت معناداری بر انتظار آنان از شغل حال و آینده خود دارد. همبستگی بین ادراک دانشجویان کنونی و دانش‌آموختگان سال‌های قبل از درس‌های نظری و عملی با ادراک آنان از رشد مهارت‌های شغلی، مثبت و معنادار بوده و بهبود ادراک دانشجویان از رشته تحصیلی خود، امید آنان برای اشتغال را نیز بهبود خواهد داد. پیوند و آمیختگی درس‌های نظری و عملی، می‌تواند به بهبود ادراک دانشجویان از برنامه تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل بیانجامد و در نتیجه رشد مهارت‌های لازم برای اشتغال را موجب شود.

نمایه واژگان: مهارت‌های شغلی، برنامه‌های درسی، اشتغال، انتظارات‌های شغلی، کشاورزی

نویسنده مسئول: عبدالله پارسا

رایانامه: abd.parsa@scu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۰

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۵/۱۸

## مقدمه

پدیده نبود زمینه اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی از اوایل دهه ۱۳۷۰ هجری خورشیدی در ایران بروز کرده و هر سال حادث‌تر می‌شود. چشم‌انداز آینده نیز در صورت ادامه روند کنونی بی‌گمان، مبهم‌تر خواهد بود. از این رو شناخت وضع موجود و یافتن علت ناهماهنگی‌های عرضه و تقاضا برای طراحی برنامه‌های تربیت نیروی انسانی، بسیار مهم است. برخی پژوهشگران، کیفیت پایین نیروی کار جوان و بالا بودن نرخ بیکاری را به نامناسب بودن آموزش‌های ارائه شده مرتبط می‌دانند (همتی، پزشکی راد و چیدری، ۱۳۸۶). هر چه دانشگاه و آموزش عالی بیش‌تر محل توجه و تقاضا واقع می‌شود، حساسیت نسبت به اعتبارسنجی آن، اطمینان از پاسخگویی اجتماعی آن، و تضمین کیفیت آن، نیز بیش‌تر اهمیت پیدا می‌کند (ایتن، ۲۰۰۶). امروزه بزرگ‌ترین دغدغه دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی کمبود فرصت‌های شغلی مناسب و متناسب با رشته تحصیلی آنان است. پژوهشگران نداشتن مهارت لازم افراد را از جمله عامل‌های اصلی مداخله‌گر در بازار کار تلقی می‌کنند. گارسیا آلوارز، لوزادا و کومسانا (۲۰۱۴) نبود رابطه پایدار بین آموزش‌های دانشگاهی و بازار کار را از جمله مهم‌ترین عامل‌های ناکامی دانش‌آموختگان در اشتغال، اشاره کرده‌اند. نتایج پژوهش‌های شرح شریفی (۱۳۹۱)، فرجی ارمکی و دشتکی (۱۳۹۰)، شادفر، لیاقتدار و شریف (۱۳۹۰)، دیباواجاری، یمنی دورزی سرخابی، عارفی و فردانش (۱۳۹۰)، آقادات (۱۳۸۹)، سعیدی رضوانی، محمدحسین زاده و باغگلی (۱۳۸۹)، هیئت مدیره اداره کار ایالات متحده (۲۰۱۲)، شورای صدور مجوز مدیریت آمریکا (۲۰۱۲)، نورتون (۲۰۰۸)، ولیگامیج (۲۰۰۹) و ترلیان و وولا، (۲۰۰۸) نشان داده‌است که در حال حاضر یکی از چالش‌ها و بحران‌های اجتماعی، مسئله‌ی

اشتغال و آینده شغلی جوانان به ویژه دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و تأمین انتظارهای آنان است.

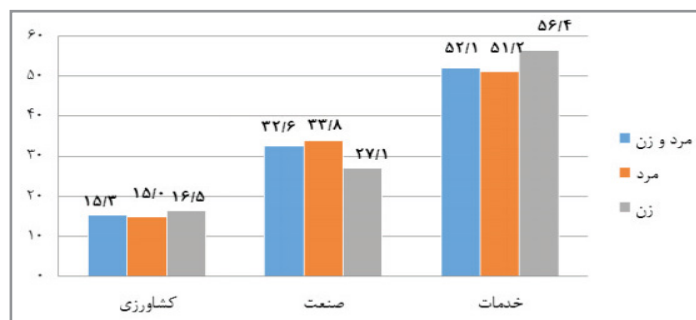
بنابر گزارش مرکز آمار ایران (۱۳۹۷)، نرخ بیکاری دانش‌آموختگان گروه رشته‌های کشاورزی، جنگلداری و شیلات در سال ۱۳۹۷ به میزان ۲۱ درصد بوده که هرچند نسبت به سال ۱۳۹۶، حدود ۱۱ درصد کاهش داشته‌است؛ اما در بین ۱۹ مجموعه رشته مختلف، پس از رشته‌های معماری و ساختمان، هنر، علوم زیستی، فراوری و ساخت، رفاه و حقوق، رتبه هفتم را به لحاظ بالا بودن شمار بیکاران دارد. عرضه نیروی کار دارای تحصیلات عالی، از جمله در حوزه علوم کشاورزی، در مقایسه با تقاضای آن بسیار بیش‌تر بوده و این امر بدون در نظر گرفتن شمار زیادی از دانش‌آموختگان مهاجر از کشور است. گزارش سالنامه مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) نیز نشان می‌دهد برخی گروه‌های تحصیلی مانند کشاورزی، دامپزشکی و علوم تربیتی در ایران دارای بالاترین درصد از بیکاران هستند که دلایل گوناگونی دارد. زیرا در ایران، هیچگونه پایش و تحقیقی از وضعیت بازار کار رشته‌های دانشگاهی توسط دولت یا خود دانشگاه‌ها صورت نمی‌گیرد و افراد بدون هرگونه آگاهی از بازار کار آینده، رشته‌های تحصیلی خود را انتخاب و وارد دانشگاه‌ها می‌شوند.

این امر گویای ناهماهنگی بین دانش‌آموختگان و بازار کار و نبود زمینه استفاده درست از افراد متخصص این رشته‌ها توسط سازمان‌ها و جامعه است. با تحمیل هزینه‌های اقتصادی پیامدهای فرهنگی و اجتماعی ادامه این روند، دانشگاه‌ها به دلیل رشد بازار و نیاز بیش‌تر به تأمین منابع مالی خود، ناگزیر خواهند شد که با صنایع هماهنگ شده و تأکید بیش‌تری بر آموزش‌های کاربردی و مهارت‌های حرفه‌ای داشته باشند. شکاف بین توانمندی‌ها و مهارت‌های دانشجویان با الزام‌های عملی شغل از جمله مهم‌ترین عامل‌های بیکاری است. نبود تناسب شغل با سطح مدرک تحصیلی نیز از جمله این

بر کیفیت پایین و سرفصل‌های نامناسب در برنامه‌های درسی دانشگاه، مهارت پایین مدرسان دانشگاه، کسب نکردن مهارت‌های کارآفرینی طی دوره آموزش، و نیز برخی ویژگی‌های فردی مانند اعتماد به نفس پایین، مهارت‌های ناکافی و یا چالش‌های فرهنگی و ساختاری عنوان می‌کند. بنابراین دانشگاه‌های پیشرفته جهان درصدد تغییر نظام آموزشی و آموزش مهارت‌های تبدیل دانش به نسل بعدی دانشجویان و تغییر فرآیند پژوهش هستند و با در نظر گرفتن ماهیت کاربردی توسعه، به دنبال دیدگاه‌های جدیدند.

تقویت ویژگی‌های شغلی دانش‌آموختگان، یک ضرورت جدی است (هویان و همکاران، ۲۰۰۴؛ کمبرو لیونگ، ۲۰۰۵؛ به نقل از ترلیاون و وولا، ۲۰۰۸؛ پور آتشی، ۱۳۹۷). یکی از چالش‌ها و بحران‌های اجتماعی و نگرانی اصلی آموزش عالی امروز، مسئله اشتغال و آینده شغلی دانش‌آموختگان دانشگاه‌هاست (ترلیاون و وولا، ۲۰۰۸، مقدم، ۱۳۹۲). شریفی اسدی ملفه، اباضلت خراسانی، فتحی واجارگاه و صالحی عمران (۱۳۹۸) ۱۶ مؤلفه اشتغال‌پذیری مانند دانش موضوعی رشته، مهارت‌های عملی رشته، مهارت‌های ارتباطی، کارگروهی، مدیریت و برنامه‌ریزی و ... را شناسایی کرده و در ۳ مقوله اصلی دانش و مهارت علمی، دانش و مهارت مرتبط با محیط کار و نیز نگرش و ویژگی‌های فردی دسته‌بندی کرده‌اند. در تحقیق همانند دیگری، داکرپول، کوالتر و سوول (۲۰۱۴) نیز افزون بر دانش و مهارت موضوعی رشته، بر مهارت عمومی، یادگیری توسعه شغلی و ویژگی‌های فردی مانند خودکارآمدی و خودارزیابی به عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار در اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان تأکید کرده‌اند. پورآتشی (۱۳۹۷) محتوای درسی، کیفیت بخشی به آموزش، دانش و یادگیری، ارتباط‌های فردی را از مؤلفه‌های مهم در اشتغال دانشجویان رشته‌های کشاورزی برشمرده است.

علت‌هاست (هوانگ، ۲۰۱۷). بنابر طرح رصد اشتغال دانش‌آموختگان وزارت عتف (۱۳۹۷) کم‌ترین نرخ اشتغال بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ به دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی تعلق دارد. داشتن مدرک دانشگاهی تضمین کافی برای اشتغال نیست. مفهوم اشتغال دانش‌آموختگان، پیچیده است و مفهوم‌هایی مانند هویت حرفه‌ای، شهروندی فعال و دامنه گسترده‌ای از مهارت‌ها و ویژگی‌های حرفه‌ای را در بر می‌گیرد (روه و زیگوارد، ۲۰۱۷). لذا انتظار می‌رود مؤسسه‌های آموزش عالی، دانشجویان را به مهارت‌های سخت و نرم و ویژگی‌های فردی و شغلی لازم مجهز کنند. اقتصاد دانش موجب شده که دایره‌ی ذی‌نفعان و مشتریان آموزش عالی بیش از پیش توسعه و تنوع پیدا کند (فراستخواه، ۱۳۸۹). نظریات زارع و نادری (۱۳۹۴) نقش آموزش عالی را در راهبرد توسعه مبتنی بر دانایی برای تحقق اقتصاد مبتنی بر دانش از طریق آموزش، کلیدی و محوری می‌دانند. آتشک، نوروز زاده، قهرمانی، ابوالقاسمی و فراستخواه (۱۳۹۸) بر این باورند که برای رویارویی با برخی از مهم‌ترین پیامدهای جهانی شدن بر برنامه‌های درسی آموزش عالی مانند پیشرف‌های فناورانه و علمی، دگرگونی‌های جهانی کار و اشتغال، نابرابری‌های اجتماعی و...، لازم است به ساز و کارهایی چون تأکید بیش‌تر بر یادگیری زبان انگلیسی، تهیه و تولید محتوای مجازی، تغییر جریان آموزش از تدریس به یادگیری، و از گروهی به انفرادی، از کسب دانش به کسب مهارت، و نیز تغییر جریان آموزش از سنتی به مجازی در برنامه‌های درسی آموزش عالی بیش‌تر توجه شود. قریش، لاونبرگ دبوئر، سوماه و دیالو (۲۰۱۷) بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی را ناشی از عامل‌های بسیاری از جمله سازگار نبودن برنامه‌های درسی با نیازهای کارفرمایان می‌دانند. موحدی (۱۳۹۶) برخی از مهم‌ترین بازدارنده‌های اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی، را مشتمل



نمودار شماره ۱- نرخ اشتغال دانش آموختگان رشته های مختلف طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ (وزارت عتف، ۱۳۹۷)

زمینه ای محیطی، شخصیتی - روانشناختی، و نیز جمعیت شناختی) و عامل های انگیزشی (نگرش نسبت به کارآفرینی، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری درک شده) در برنامه های آموزشی رسمی و غیررسمی در نظام آموزش عالی کشاورزی توجه کرد. بنابر نتایج پژوهش آقاپور، موحد محمدی و علم بیگی (۱۳۹۳) در تربیت دانش آموختگان شایسته و توانمند رشته های کشاورزی، اهمیت کسب مهارت توسعه کسب و کار بیش تر از دو مهارت توسعه فردی و مهارت علمی و دانشگاهی است. لذا، توجه به محتوای برنامه درسی به گونه ای که سبب ایجاد مهارت های توسعه کسب و کار بیش تر شود، از جمله مهم ترین اولویت های ایجاد کیفیت در آموزش عالی کشاورزی کشور است. بنابر نتایج پژوهش یادشده، انتقال مهارت های کسب و کار از طریق برنامه درسی بیش ترین سهم را در شکل گیری قابلیت اشتغال دارد. از این رو، افزایش توانایی ایجاد ارتباط مؤثر و کارآمد با دیگران، مهارت برنامه ریزی زمانی دقیق برای انجام دادن کارها، توانایی کار گروهی با دیگران، ارتقاء مهارت های کارآفرینی و آشنایی با قوانین بازرگانی در زمینه کشاورزی نقش شایان توجهی را با شکل دهی مهارت های کسب و کار در توسعه قابلیت اشتغال نشان دادند. به نظر می رسد که نبود تناسب بین برنامه های درسی و مواد آموزشی و نیاز بازار کار یکی از مهم ترین عامل های موفق نبودن دانش آموختگان بیش تر رشته ها به ویژه رشته های

غلامی و کریمی (۱۳۹۷) معتقدند صلاحیت های پس از ایجاد کسب و کار (صلاحیت های مدیریتی) و مهارت های فنی (تخصصی) از جنبه های همانندی کارآفرینی و اشتغال پذیری هستند و وجه تمایز اشتغال پذیری یادگیری توسعه شغلی است. چالش بیکاری دانش آموختگان آموزش عالی متأثر از علل گوناگونی است که از جمله آن علل، ناکارآمدی برنامه های درسی و دوره های آموزشی دانشگاه ها در پاسخگویی به نیازهای بازار کار و صنعت برای ایجاد نیروی انسانی ورزیده و ماهر است. (شرح شریفی، ۱۳۹۱؛ دیبا واجاری و همکاران، ۱۳۹۰؛ حسینقلی-زاده، ۱۳۹۱؛ شادفرو همکاران، ۱۳۹۰؛ خسروی پور و منجم زاده، ۱۳۸۹؛ سعیدی رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ هیأت مدیره اداره کار ایالات متحده، ۲۰۱۲؛ ولیگامیج، ۲۰۰۹؛ نورتون، ۲۰۰۸). حسینی لرگانی (۱۳۹۸) برنامه درسی نوآورانه را شامل ابعاد ابهام پذیری، نوگرایی، جامعه گرایی، تحول گرایی، پیچیدگی، کمال گرایی، بازارمحوری، ارزش گرایی، نیازمحوری و ارتباط محوری می داند و تأکید می کند که برخی از مهم ترین پیامدهای اجرای برنامه درسی نوآورانه، توانمندسازی فراگیران، توسعه کارآفرینی و اشتغال پایدار، افزایش ارتباط دانشگاه با بازار کار و صنعت، و دستیابی به توسعه پایدار همه جانبه است. به باور شیرینی، میرک زاده و زرافشانی (۱۳۹۳) بر مبنای الگوی طراحی شده، برای ترویج کارآفرینی در بین دانشجویان کشاورزی بایستی بر روی عامل های بیرونی (انسانی، فرهنگی، اجتماعی،

۱۳۸۶) از آموزش به‌عنوان نوعی سرمایه‌گذاری یاد کرد و این فرضیه را اثبات کرد که کلید توسعه اقتصادی، خود انسان است، نه منابع مادی.

نظریه کشمکش (با تأکید بر توزیع نابرابر منابع قدرت و مدرک به‌عنوان یکی از عوامل‌های گزینش نیرو با فرض قدرت بیش‌تر عرضه کالا و خدمات (محمدخانی، ۱۳۸۲: ۳۳)؛ نظریه رفتار مصرف‌کننده (با تأکید بر رویکرد مشتری‌مداری و حق دانشجویان به‌عنوان مصرف‌کننده خدمات آموزش عالی، برای کسب آموزشی با بهترین کیفیت) (باقری نژاد، ۱۳۸۹)؛ و رویکرد سیستمی به نظام آموزش عالی به‌عنوان یکی از الگوهای جدید در رابطه آموزش عالی و بازارکار که نظام آموزش عالی را نتیجه مثلی از عوامل‌های: دولت، بازار و الیگارش‌ی دانشگاهی می‌داند (اسپیزال، ۲۰۱۲)، آموزش عالی را همانند یک نظام با ورودی، فرآیند و خروجی تلقی می‌کند که دو مؤلفه مشتری‌مداری و نتیجه‌گرایی از نوع عملکردی، نقش کلیدی و بنیادین در کیفیت خروجی این نظام دارند (باقری نژاد، ۱۳۸۹)؛ همگی به‌عنوان نظریه‌های پشتیبان بر ضرورت توجه به رابطه برنامه‌های درسی آموزش عالی و اشتغال دانش‌آموختگان، تأکید دارند.

در ادبیات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی به رویکردها و الگوهای مختلف برای پیوند آموزش و بازارکار، اشاره شده است. بینقی و سعیدی رضوانی (۱۳۸۶) مجموع نظریه‌های متخصصان را در سه رویکرد دسته‌بندی کرده‌اند. نخست، رویکرد حرفه‌آموزی (معتقد به ارائه درس‌های حرفه‌ای محض در مؤسسه‌های خاص و مستقل و آماده‌سازی جوانان برای کسب و کار از طریق تنوع بخشیدن به رشته‌های فنی و حرفه‌ای)؛ دوم، رویکرد یکپارچه‌سازی آموزش عملی و نظری (کمرنگ کردن مرز بین آموزش‌های حرفه‌ای و علمی و یکپارچه‌سازی آموزش حرفه‌ای و نظری و ارتقاء دانش عمومی افراد برای تکمیل دانش فنی آنان) و سومین رویکرد، پرورش صلاحیت‌ها و مهارت‌های پایه است و تأکید دارد که موفقیت شغلی،

کشاورزی در کاربایی بوده و لازم است برنامه‌های درسی دانشجویان بیش‌تر ارزیابی شود. در این زمینه از دیدگاه پژوهشگران (مارش، ۲۰۰۷؛ نصر، نیلی و اعتمادزاده، ۱۳۹۰؛ شادفر و همکاران، ۱۳۹۰)، دانشجویان به‌عنوان مشتری و ذینفع بلافصل آموزش عالی، دارای حق اظهار نظر درباره برنامه درسی هستند و ادراک‌ها و نظرهای آنان درباره برنامه‌های درسی رشته تحصیلی خود از مهم‌ترین و موثق‌ترین اطلاعاتی است که به بازنگری برنامه‌های درسی برای هم‌سویی بیش‌تر با رسالت‌های اصلی آموزش عالی کمک خواهد کرد. بیدت (۲۰۰۹) نخستین هدف دانشگاه را تولید علم و درک جهان طبیعی و اجتماعی می‌داند. هدف دوم دانشگاه، انتشار دانش و همچنین شکل‌گیری شخصیت شناختی دانشجویان است به طوری که نسبت به جهان دید انتقادی داشته باشند و هدف آخر، یعنی تعامل و ارتباط دانشگاه با جامعه، اگرچه جدید است؛ اما به‌طور فزاینده‌ای پذیرفته شده است.

در مورد رابطه آموزش عالی و بازار کار، دیدگاه‌های بسیاری ارائه شده است که مهرعلیزاده و آرمن (۱۳۸۶) آن را به چهار گروه مشتمل بر: نظریه فنی-کارکردی (فناوری، منجر به افزایش سطح مهارت مشاغل می‌شود)، نظریه سرمایه انسانی (انسان‌ها با آموزش به سرمایه مبدل می‌شوند و جامعه می‌تواند از توان تولیدی آنان به‌صورت بهتری بهره‌مند شود)، نظریه انتقادی (با تأکید بر افزایش عقلانیت نظام اجتماعی، تصویر مناسبی از رابطه‌های بازارکار ندارد) و دیدگاه تجدید نظر شده وبر (اهمیت دادن به ارتباط جنبه‌های شخصیتی افراد را با بهره‌وری اقتصادی) تقسیم می‌کنند. اما مدرک، یک کالای موقعیتی و به لحاظ اجتماعی محدود است که هر چه افراد بیش‌تر تری بدان دسترسی داشته باشند ارزش اجتماعی آن کم‌تر می‌شود. این رویه، دو پیامد تورم مدرک و پالایش بیش‌تر نیروی کار توسط کارفرمایان را در پی دارد. شولتز (۱۹۶۱)، به نقل از علمی و جمشیدنژاد،

افزون بر چیرگی در مهارت‌های علمی و عملی مستلزم وجود یک سری مهارت‌ها و عادات فردی و رای یک شغل خاص است. مانند ارزش‌گذاری برای کسب و کار، مسئولیت‌پذیری، مخاطره‌پذیری، انعطاف‌پذیری و ... و روندهای جاری و جهانی اشتغال نیز مؤید رویکرد آموزش مهارت‌های پایه و بنیادین است

روندهای جاری و جهانی اشتغال نیز مؤید رویکرد آموزش مهارت‌های پایه و اساسی است؛ کاهش اشتغال در بخش دولتی و شرکت‌های بزرگ خصوصی، افزایش اشتغال در بخش‌های غیر متشکل اقتصادی، سرعت گرفتن ایجاد مشاغل جدید، کم شدن ثبات و امنیت شغلی، نیاز فزاینده به رایانه و مهارت‌های ظریف ارتباطی و اطلاعاتی، کاهش مشاغل یدی و ... نشان می‌دهد که راهبردهای «دانش نظری» و «دانش عملی» به تنهایی در آماده کردن فرد برای رویارویی با دگرگونی‌های شغلی، ناتوان بوده و لازم است راهبردهای جدید آموزش مهارت‌های شغلی اتخاذ شود. مهارت‌های شغلی مجموعه‌ای از توانایی‌ها، ادراک‌ها و ویژگی‌های شخصیتی هستند که امکان اشتغال بیش‌تر دانش‌آموختگان را فراهم می‌کنند و موفقیت آنان را در شغلی که انتخاب کرده‌اند، تضمین می‌کنند. آموزش این مهارت‌ها به نفع دانش‌آموختگان، نیروی کار، جامعه و اقتصاد است (یورک و نایت، ۲۰۰۳، نقل در ولیگامیج، ۲۰۰۹). انواع مختلفی از مهارت‌های شغلی وجود دارد که هاروی (۲۰۰۱) آنان را در دو دسته کلی قرار می‌دهد: اول، توانایی‌های دانشجویان برای به دست آوردن، حفظ و توسعه شغل پس از پایان تحصیلات و مجموعه دوم که ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان (مهارت‌ها، دانش، نگرش و توانایی‌ها) را گسترش می‌دهد و در نهایت دانشجو را به عنوان یک یادگیرنده مادام‌العمر، توانمند می‌سازد. دستیابی به اشتغال موفق تا حد زیادی به مهارت‌های مختلفی چون توانایی ارتباطی فرد، تناسب شغلی، توان عملی فرد و

مهارت‌های حرفه‌ای فوق‌العاده و ارائه یک روش و رفتار مناسب بستگی دارد (لین، ۲۰۱۱). اهمیت مهارت‌های نرم و سختی مانند حل مسئله، کارگروهي، ارتباطات و ... از آنجا ناشی می‌شود که باعث قابلیت تحرک شغلی بیش‌تر شده و با این صلاحیت‌ها افراد بهتر می‌توانند نسبت به دگرگونی‌های شغلی آینده واکنش نشان دهند (صالحی عمران، ۱۳۸۸). از این‌رو امروزه، کارکردهای فنی، بازاری و فن‌سالارانه (تکنوکراتیک) آموزش عالی بیش‌تر نمایان است (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۹۰).

بهبود مهارت‌های شغلی در مقطع کارشناسی‌ارشد به عنوان یک وظیفه مهم در هر کشوری در نظر گرفته شده است (ولیگامیج، ۲۰۰۹). تقاضای جهانی برای انواع خاصی از مهارت‌های عالی‌تر، به ویژه در اقتصادهایی که با فرایند جهانی شدن ارتباط بیش‌تری دارند، موجب شده است به افرادی که تحصیلات بیش‌تری دارند حقوق بیش‌تری پرداخته شود (کارنوی، ۱۹۹۹، ترجمه میرزا محمدی و فریدی، ۱۳۸۴؛ ۳۴). افراد دست‌یافته به تحصیلات بالاتر بر این باورند که توانمندی بیش‌تری دارند و در نتیجه احتمال بیش‌تری وجود دارد که شغل بهتری پیدا کنند و دستمزد بالاتری دریافت کنند. نتیجه درک جدید این است که بسیاری از دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی، امروزه خواهان ورود به دوره کارشناسی‌ارشد برای به دست آوردن مزایای رقابتی در بازار کار هستند (لین، ۲۰۱۱). در یک نظام طبقه‌بندی آموزش عالی، درجه‌های اعطا شده توسط آموزش‌شده‌ها و دانشگاه‌ها با سطوح امتیازی در سلسله‌مراتب آموزشی منجر به فرصت‌های شغلی مختلف و بازده اقتصادی فردی برای دانشجویان می‌شود (کریستی و مونر، ۲۰۰۳، هاومان و اسمیدینگ، ۲۰۰۶، لی، مورگان و دینگ، ۲۰۰۸). لذا می‌بینیم که دستیابی به امتیاز آموزش عالی به احتمال زیاد منجر به دستیابی به موقعیت‌ها و فرصت‌های شغلی مختلف می‌شود (گربر و شفر، ۲۰۰۴)؛ بنابراین



شمار بیکاران مربوط به رشته زراعت است. اغلب دانش‌آموختگان بیکار، دلیل بیکاری خود را نیافتن شغل مناسب و مرتبط با رشته تحصیلی خود عنوان کرده‌اند. دهقان، سوهانی دربان و فکری (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رضایت دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی از رشته خود تنها ۱۱ درصد بسیار خوب بوده است. این پژوهشگران چنین نتیجه گرفتند که کاربردی شدن رشته‌ها و سرفصل‌ها نیز می‌تواند باعث افزایش اشتغال و کاهش بیکاری در این بخش و شکوفایی اقتصاد کشاورزی کشور شود. شادافرو همکاران (۱۳۹۰) میزان همخوانی برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای دانشجویان را کمتر از حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. خسروی پور و منجم‌زاده (۱۳۸۹) ناآگاهی از بازارکار متناسب با رشته تحصیلی، سطح نامناسب دانش و مهارت‌های تجربی و شغلی دانش‌آموختگان، را به ترتیب مهم‌ترین بازدارنده‌های کارآفرینی و اشتغال عنوان کرده‌اند. پژوهش براتعلی، یوسفی و میرشاه جعفری (۱۳۸۹) نشان داد که کسب مدارج بالاتر تحصیلی در آموزش عالی با افزایش اشتغال همراه است. یافته‌های پژوهش اکبری، موحدی و کوچکیان (۱۳۸۸) نشان داد که هفت عامل توانمندی‌های تخصصی دانشجویان، ارتباط دانشگاه با مراکزهای کاری، فرصت‌های شغلی موجود، رضایت‌مندی سطح دانش دوران تحصیل، سیاست‌های دولت در زمینه اشتغال، تسهیلات و امکانات موجود و علاقه‌مندی به مشاغل مرتبط با رشته‌های کشاورزی، در بهبود آینده شغلی دانشجویان رشته‌های کشاورزی، به ترتیب بیش‌ترین نقش را دارا هستند. بارانی و علی بیگی (۱۳۸۸) در نتایج بررسی‌های خود مهم‌ترین مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموختگان کشاورزی از دیدگاه مدیران را به ترتیب، شامل مسئولیت‌پذیری، جدیت و استقامت در کار و اخلاق حرفه‌ای می‌دانند. دانش‌آموختگان افزون بر این سه مهارت، بر این باورند که اعتماد به نفس هم مهارتی ضروری برای اشتغال است. ده پوری و حسینی (۱۳۸۷) بین وضعیت اشتغال و اثربخشی برنامه‌های درسی رابطه

اگر به تأیید ولیگامیج (۲۰۰۹) مؤسسه‌های آموزش عالی را به عنوان اصلی‌ترین مرکز آموزش مهارت‌های شغلی بپذیریم، برنامه درسی این مؤسسه‌های مهم‌ترین راه آموزش این مهارت‌ها خواهد بود.

از جمله مهم‌ترین منابع‌هایی که جامعه‌ها برای پیشرفت و توسعه کشاورزی در اختیار دارند، دانشکده‌های کشاورزی است. بنابراین یکی از مهم‌ترین لازمه‌های توسعه کشاورزی، استفاده از نیروهای متخصص کشاورزی و مجهز به ابزار دانش و فناوری‌های نوین کشاورزی است. کیفیت آموزش عالی کشاورزی هنگامی به حد مطلوب خواهد رسید که بتواند در راستای اهداف توسعه جامعه و در جهت رفع نیازها و پاسخگویی به انتظارهای هر یک از دانش‌آموختگان حرکت کند. در کشورهای توسعه یافته، یادگیری تجربی، ارزش و جایگاه ویژه‌ای در آموزش کشاورزی دارد. برای مثال آموزش کشاورزی در دورانی توسعه یافت که فلسفه‌های «یادگیری از طریق عمل» و «آموزش از طریق تجربه» در آمریکا رواج و چیرگی پیدا کردند. این فلسفه‌ها تبیین‌کننده این نکته هستند که یادگیری مهارت‌های شغلی در رابطه با آن دسته از حرفه‌هایی که با پدیده‌ها و محیط‌های واقعی سروکار دارند، در صورتی اثربخش که زمینه کسب تجربه عینی در آن برای فراگیر فراهم شود. بنابراین اصلاح برنامه‌های آموزشی در جهت توسعه، یک نیاز گسترده به شمار می‌آید و رشته‌های کشاورزی نیز از این امر مستثنی نیستند.

یافته‌های پژوهش مقدم (۱۳۹۲) گویای این است که نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان مورد نظر نسبت به برنامه درسی رشته تحصیلی خود، قادر به پیش‌بینی انتظارهای شغلی و میزان رشد مهارت‌های شغلی آنان است. بین نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به دانشگاه محل تحصیل با انتظارهای شغلی و مهارت‌های شغلی آنان همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. در پژوهش حکمتی و فیروزآبادی (۱۳۹۰) بالاترین نرخ بیکاری به دارندگان مدرک کارشناسی تعلق دارد و بیش‌ترین

معنی داری گزارش داده اند و اظهار داشته اند که مقطع تحصیلی دانشجویان بر اشتغال آنان تأثیر دارد. یافته‌های پژوهش محمدزاده نصرآبادی، پزشکی راد و چیدری (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که بین امکانات و تجهیزات زیربنایی و آموزشی مرکزها، توانایی تدریس و شیوه آموزش استادان، روش‌های تدریس واحدهای نظری، روش‌های تدریس واحدهای عملی، محتوای آموزشی در سطح دانش و محتوای آموزشی در سطح نگرش با توانمندی شغلی دانش‌آموختگان رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج پژوهش ولیگامیج (۲۰۰۹) نشان داد که بین نیازهای بازار کار و انتظارات شغلی دانش‌آموختگان و کارفرمایان هماهنگی وجود ندارد. با افزایش سطح تحصیلات فرد، احتمال بیکاری بیش تر است. تورکرو سلوک (۲۰۰۹) در نتایج پژوهش خود نشان دادند که دو عامل: محیط دانشگاهی و عمل ساختاری حمایت‌کننده (مانند اقتصادی که فرصت‌های زیادی برای کارآفرینان فراهم می‌سازد) قصد کارآفرینانه دانشجویان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر دانشگاه، دانش و انگیزه کافی برای کارآفرینی را فراهم سازد، احتمال انتخاب یک حرفه کارآفرینانه، توسط افراد جوان افزایش پیدا می‌کند. نورتون (۲۰۰۸) در پژوهش خود علل مهم اشتغال از نظر دانش‌آموختگان را ملاحظه‌های علمی مانند تدریس خوب، ساختار و محتوای دوره‌ها، برنامه درسی مرتبط، امکانات خوب دوره، درک نگرش‌ها و انتظارات کنونی دانش‌آموختگان می‌داند. بنابر نتایج تحقیق رایبسنسون و همکاران (۲۰۰۷) داشتن انگیزه و نگرش مثبت؛ توانایی کارکردن با دیگران؛ و توانایی کار به‌طور مستقل، مهم‌ترین عامل‌های مؤثر در کسب شغل در آینده برای دانش‌آموختگان کشاورزی هستند. فراهم آوردن اطلاعات روشن تر، به حل مسئله‌هایی مانند: ناهماهنگی بین اشتغال و بازار کار، بیکاری تحصیل‌کردگان، آگاهی مسئولان به نقاط ضعف و قوت برنامه‌های درسی و آموزشی و آگاهی به ضرورت ایجاد تغییرهای مطلوب

در برنامه‌ها و روش‌های موجود، محوریت و حسن شهرت دانشگاه شهید چمران اهواز در تربیت متخصصان حوزه کشاورزی و به‌ویژه در استان خوزستان و متناسب با نیازهای این استان، دلایل محکمی برای ضرورت اجرای این تحقیق به شمار می‌آیند. لذا این پژوهش با هدف آگاهی از نگرش و ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان کارشناسی‌ارشد رشته‌های کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز نسبت به نقش برنامه‌های درسی رشته تحصیلی خود در کسب مهارت‌های شغلی، انتظارات شغلی و شانس اشتغال آنان تلاش دارد به ۷ پرسش تحقیق پاسخ دهد که در بخش یافته‌ها بیان خواهند شد.

### روش شناسی

روش این پژوهش با توجه به تمرکز بر وضع موجود، توصیفی - پیمایشی است و چون در پی درک رابطه نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به برنامه درسی رشته تحصیلی خود، انتظارات شغلی و شانس اشتغال آنان است، یک پژوهش همبستگی نیز به شمار می‌آید. جامعه آماری پژوهش شامل ۵۷۷ نفر دانش‌آموختگان و دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد رشته‌های کشاورزی پنج گروه آموزشی (باغبانی، زراعت و اصلاح نباتات، خاک شناسی، گیاه پزشکی و ماشین‌آلات کشاورزی) تا سال ۱۳۹۷ است که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای ساده بر مبنای رشته تحصیلی و دو گروه دانشجویان دانش‌آموخته، بر اساس روش کرجسی و مورگان، ۲۷۴ نفر از آنان به عنوان نمونه، انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسش‌نامه مقدم (۱۳۹۲) با ۵۲ گویه و ۶ خرده‌مقیاس است. روایی شکلی پرسشنامه مورد تأیید استادان متخصص قرار گرفت که میانگین آن ۰/۷۳ و در سطح کم‌تر از ۰/۰۵ معنادار بود و ضرایب پایایی نیز با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد. پرسش شماره ۱ با استفاده از آمار توصیفی شامل فراوانی و درصد بررسی شد. پرسش‌های شماره ۲ تا ۷ با استفاده از آمار استنباطی رگرسیون (همزمان) تجزیه و تحلیل شده‌اند.



جدول ۱- پایایی مؤلفه های پرسشنامه پژوهش

شمار شرکت کنندگان	شماره گزینه ها	آلفای کرونباخ	ابعاد پرسشنامه
۵۷۷	۱ - ۸	۰/۷۴	دیدگاه نسبت به رشته تحصیلی
۵۷۷	۹ - ۱۵	۰/۸۷	تقویت دانش نظری
۵۷۷	۱۶ - ۲۲	۰/۸۴	تقویت دانش عملی
۵۷۷	۲۳ - ۳۲	۰/۹۱	تأثیر دانشگاه محل تحصیل
۵۷۷	۳۳ - ۳۸	۰/۷۸	رشد حرفه ای
۵۷۷	۳۹ - ۵۰	۰/۷۳	نگاه جامعه
۵۷۷	۵۲	۰/۸۹	کل پرسشنامه

### یافته ها

کشاورزی گروه های پنج گانه دانشکده کشاورزی دانشگاه در پاسخ به پرسش اول برای فهم وضعیت اشتغال شهید چمران اهواز، از فراوانی و درصد استفاده شده است. دانش آموختگان مقطع کارشناسی ارشد رشته های

جدول ۲- فراوانی دانشجویان و دانش آموختگان دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز به تفکیک رشته، جنسیت، وضعیت تحصیلی و اشتغال

گروه	جنسیت	وضعیت تحصیلی	وضعیت اشتغال	درصد کل
باغبانی	زن	نیمسال آخر	شاغل	۸
	مرد	دانش آموختگان	بیکار	۴۸
	کل			۱۵/۳
زاعت و اصلاح نباتات	زن	نیمسال آخر	شاغل	۹
	مرد	دانش آموختگان	بیکار	۴۲
	کل			۱۸/۳
خاک شناسی	زن	نیمسال آخر	شاغل	۱۱
	مرد	دانش آموختگان	بیکار	۴۹
	کل			۱۸/۳
گیاه پزشکی	زن	نیمسال آخر	شاغل	۱۲
	مرد	دانش آموختگان	بیکار	۳۴
	کل			۲۷/۲
مهندسی مکانیک ماشین های کشاورزی و مکانیزاسیون	زن	نیمسال آخر	شاغل	۱۳
	مرد	دانش آموختگان	بیکار	۵۷
	کل			۱۸/۸
کل	زن	نیمسال آخر	شاغل	۴۸
	مرد	دانش آموختگان	بیکار	۲۲۶
	کل			۲۷۴

دانش نظری، دانش عملی و دانشگاه محل تحصیل به‌عنوان چهار متغیر مستقل پیش‌بین و (مهارت‌های شغلی) به‌عنوان متغیر ملاک با روش رگرسیون محاسبه شده است. خلاصه‌ای از داده‌های مربوط به متغیرهای تحقیق در جدول شماره ۳ گزارش شده است.

از بین شرکت‌کنندگان در پژوهش در مجموع ۴۸ نفر شاغل و ۲۲۶ نفر بدون شغل هستند. بیش‌ترین میزان اشتغال در گروه گیاه‌پزشکی با اشتغال ۲۷ درصدی و کم‌ترین آن در گروه باغبانی با ۱۵ درصد اشتغال بوده است. به‌طور کلی، ۱۷/۵۱ درصد از افراد نمونه شاغل و ۸۲/۴۸ درصد بیکار هستند.

در پرسش دوم، رابطه بین نگرش تحصیلی،

جدول ۳- میانگین نمره‌های متغیرهای تحقیق به تفکیک جنسیت

متغیر	جنسیت	شمار	میانگین
نگرش تحصیلی	زن	۱۷۳	۲/۸۱
	مرد	۱۰۱	۲/۸۱
انتظارهای شغلی	زن	۱۷۳	۲/۹۶
	مرد	۱۰۱	۲/۹۷
ادراک از درس‌های نظری	زن	۱۷۳	۲/۸۴
	مرد	۱۰۱	۲/۸۷
ادراک از درس‌های عملی	زن	۱۷۳	۲/۸۲
	مرد	۱۰۱	۲/۹۴
مهارت‌های شغلی	زن	۱۷۳	۲/۹۷
	مرد	۱۰۱	۲/۸۹

جدول ۴- مدل کلی برازش رگرسیون

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	P
رگرسیون	۸۴/۱۲	۴	۲۱/۰۳	۵۸/۴۳	P < /۰۰۰۱
باقی‌مانده	۹۶/۸۲۷	۲۶۹	۰/۳۶۰		
کل	۱۸۰/۹۵	۲۷۴			

جدول ۵- خلاصه مدل

مدل	مقدار R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> تعدیل شده	خطای معیار برآورد
۱	۰/۶۸	۰/۴۶۵	۰/۴۵۷	۰/۶۰

ضریب تبیین مهارت‌های شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان با توجه به نگرش آنان نسبت به تحصیل و انتظارهای شغلی آنان در سطح آلفای ۰/۰۵ برابر با  $R^2=0/465$  است. به این معنا که در حدود ۴۷ درصد از واریانس مهارت‌های شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان از طریق بررسی متغیرهای پیش‌بین قابل تبیین است.

جدول ۶- ضرایب رگرسیونی

مدل	B	$\beta$	خطای استاندارد	T	P
مقدار ثابت	۰/۱۴۶		۰/۱۸۹	۰/۷۷۳	۰/۴۴۰
نگرش تحصیلی	۰/۴۰۱	۰/۳۲۰	۰/۰۷۱	۵/۶۷۶	۰/۰۰۰۱
دانش نظری	۰/۰۸۳	۰/۰۶۷	۰/۰۹۲	۰/۹۱۱	۰/۳۶۳
دانش عملی	۰/۳۰	۰/۲۶۴	۰/۰۶۸	۴/۴۴۲	۰/۰۰۰۱
دانشگاه محل تحصیل	۰/۲۰۳	۰/۲۰۲	۰/۵۸۹	۳/۴۶۳	۰/۰۰۱

از بین متغیرهای پیش‌بین وارد شده در مدل رگرسیون، نگرش تحصیلی بهترین پیش‌بینی کننده مهارت‌های شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان است. ضریب بتای این مؤلفه ۰/۳۲۰ است و اثر مثبت معناداری بر پیش‌بینی انتظارهای شغلی دارد. پس از نگرش تحصیلی، متغیرهای پیش‌بین دانش عملی و دانشگاه محل تحصیل با ضریب بتای ۰/۲۶ و ۰/۲۰ به ترتیب پیش‌بینی کننده‌های خوبی برای مهارت شغلی هستند. در پرسش سوم، رابطه نگرش تحصیلی، دانش نظری، دانش عملی و دانشگاه محل تحصیل به‌عنوان چهار متغیر مستقل پیش‌بین و انتظارهای شغلی به‌عنوان متغیر ملاک با تحلیل رگرسیون محاسبه شده است.

جدول ۷- مدل کلی برازش رگرسیون

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	P
رگرسیون	۹/۶۳۵	۴	۲/۴۱	۱۴/۲۸۶	$P < 0/0001$
باقی مانده	۴۶/۱۹۷	۲۷۴	۰/۱۶۹		
کل	۵۵/۸۳۲	۲۷۸			

جدول ۸- خلاصه مدل

مدل	مقدار R	$R^2$	$R^2$ تعدیل شده	خطای معیار برآورد
۱	۰/۴۱۵	۰/۱۷۳	۰/۱۶۰	۰/۴۲

ضریب تبیین انتظارهای شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان با توجه به نگرش آنان نسبت به تحصیل و انتظارهای شغلی آنان در سطح آلفای ۰/۰۵ برابر با  $R^2=0/173$  است. چهار متغیر پیش‌بین مورد نظر در مجموع در حدود ۱۷ درصد از واریانس انتظارهای شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان را پیش‌بینی می‌کنند.

جدول ۹- ضرایب رگرسیونی

P	T	خطای استاندارد	$\beta$	B	مدل
۰/۰۰۰۱	۱۶/۴۰	۰/۱۲۶		۲/۰۶	مقدار ثابت
۰/۰۱۹	۲/۳۵۱	۰/۰۴۸	۰/۱۶۵	۰/۱۱۲	نگرش تحصیلی
۰/۰۷۱	۱/۸۱۳	۰/۰۶۲	۰/۱۶۳	۰/۱۱۳	دانش نظری
۰/۷۸	۰/۲۶۸	۰/۰۴۶	۰/۰۲	۰/۰۱۲	دانش عملی
۰/۰۳۸	۲/۰۸۱	۰/۰۴۰	۰/۱۵۰	۰/۰۸۳	دانشگاه محل تحصیل

در پرسش چهارم برای پی بردن به این که آیا بین ادراک‌های دانشجویان و دانش‌آموختگان مورد نظر نسبت به درس‌های نظری رشته تحصیلی خود با مهارت‌های شغلی کسب شده آنان در طی دوره تحصیل، رابطه معنادار وجود دارد؟ از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

بین متغیرها، نگرش تحصیلی بهترین پیش‌بینی کننده انتظارهای شغلی است. ضریب بتای این مؤلفه ۰/۱۶۵ است و اثر مثبت معناداری بر پیش‌بینی انتظارهای شغلی دارد. پس از نگرش تحصیلی، متغیرهای دانش نظری و دانشگاه محل تحصیل با ضریب بتای ۰/۱۶ و ۰/۱۵ پیش‌بین‌های خوبی برای انتظارهای شغلی هستند.

جدول ۱۰- آزمون همبستگی بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به درس‌های نظری رشته تحصیلی خود با مهارت‌های شغلی

متغیرها	مهارت‌های شغلی کسب شده
ادراک از درس‌های نظری	۰/۵۵۶
سطح معناداری	$P < ۰/۰۰۰۱$
شمار	۲۷۴

رشته تحصیلی خود با مهارت‌های شغلی کسب شده آنان در طی دوره تحصیل، رابطه معنادار وجود دارد؟ نیز با ضریب همبستگی پیرسون به دست آمده است.

بین ادراک از درس‌های نظری دانشجویان و دانش‌آموختگان و مهارت‌های شغلی آنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همبستگی ادراک از درس‌های نظری دانشجویان و دانش‌آموختگان و مهارت‌های شغلی آنان، ۰/۵۵۶ است.

پاسخ به پرسش پنجم که آیا بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان مورد نظر نسبت به درس‌های عملی

جدول ۱۱- آزمون همبستگی بین ادراک دانشجویان نسبت به درس‌های عملی با نگرش تحصیلی و مهارت‌های شغلی

متغیرها	مهارت‌های شغلی کسب شده
ادراک از درس‌های عملی	۰/۵۴۵
سطح معناداری	$P < ۰/۰۰۰۱$
شمار	۲۷۴

آزمون همبستگی بین دو متغیر ادراک و نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به درس‌های عملی و مهارت‌های شغلی کسب شده توسط آنان نشان داد که با ضریب همبستگی ۰/۵۴۵، رابطه مثبت و معناداری بین نگرش نسبت به درس‌های عملی و مهارت‌های شغلی وجود دارد؛ به این معنا که هرچه دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشکده کشاورزی دارای مهارت‌های شغلی بیش‌تری هستند، ادراک مثبت‌تری از درس‌های عملی موجود در برنامه درسی خود دارند. پاسخ به پرسش ششم با هدف محاسبه رابطه بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان مورد نظر نسبت به درس‌های نظری رشته تحصیلی خود با نگرش تحصیلی و انتظارهای شغلی آنان نیز با ضریب همبستگی به دست آمده است.

جدول ۱۲- همبستگی بین ادراک دانشجویان نسبت به درس‌های نظری با نگرش تحصیلی و انتظارهای شغلی آنان

متغیرها	نگرش تحصیلی	انتظارهای شغلی
ادراک از درس‌های نظری	۰/۶۱۵	۰/۳۷۵
سطح معناداری	$P < ۰/۰۰۰۱$	$P < ۰/۰۰۰۱$
شمار	۲۷۴	۲۷۴

بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشکده کشاورزی نسبت به درس‌های نظری موجود در برنامه درسی و نگرش به تحصیل و همچنین انتظارهای شغلی آنان همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان در زمینه درس‌های نظری و نگرش تحصیلی آنان همبستگی بالایی وجود دارد (حدود ۰/۶۲)؛ به این معنا که هرچه ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به درس‌های نظری رشته خود بهتر باشد نگرش آنان نسبت به تحصیل و رشته تحصیلی خود نیز بهتر خواهد بود. نتایج نشان داد همبستگی نزدیک به متوسط (۰/۳۷۵) بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به درس‌های نظری و انتظارهای شغلی آنان وجود دارد. برای پاسخ به پرسش هفتم با هدف آگاهی از رابطه بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان مورد نظر نسبت به درس‌های عملی رشته تحصیلی خود با نگرش تحصیلی و انتظارهای شغلی آنان نیز با از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

متغیرها	نگرش تحصیلی	انتظارهای شغلی
ادراک از درس های عملی	۰/۴۴۹	۰/۲۶۹
سطح معناداری	$P < ۰/۰۰۰۱$	$P < ۰/۰۰۰۱$
شمار	۲۷۴	۲۷۴

بین ادراک دانشجویان نسبت به درس های عملی موجود در برنامه درسی رشته خود و نگرش تحصیلی و انتظارهای شغلی آنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در زمینه نگرش تحصیلی و انتظارهای شغلی دانشجویان و دانش آموختگان دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران، درس های نظری همبستگی بیش تری نسبت به درس های عملی با متغیرهای بالا دارند. بین دانشجویان دختر و پسر در هیچ یک از متغیرهای تحقیق تفاوت معناداری مشاهده نشد. تأثیر تعاملی جنسیت و رشته بر انتظارهای شغلی و یا رشد مهارت های شغلی نیز معنادار نبود.

### بحث و نتیجه گیری

تحلیل ها نشان می دهد که با وجود عملی بودن این رشته، دانش آموختگان آن چنان که باید به طور موفقیت آمیزی جذب بازار کار نشده اند و یا به عبارتی نتوانسته اند شغل مناسب با رشته خود را به دست آورند (حدود ۸۰ درصد از شرکت کنندگان در این پژوهش بیکار هستند)، که به دلایل متفاوتی از جمله متناسب نبودن آموزش های دانشگاهی صورت گرفته با نیاز بازار کار و صنعت، توجه کم به درس های عملی این رشته توسط افراد مسئول و یا کارآفرینی پایین خود دانش آموختگان به وجود آمده است. البته عامل های اقتصادی و اجتماعی و حتی اقلیمی و جغرافیایی و... نیز می توانند از جمله عامل های مؤثر در کاهش شانس اشتغال دانش آموختگان این رشته باشند. این یافته با نتایج بررسی های محمدی دینانی و فولادی (۱۳۸۰) و مطالعه نورتون (۲۰۰۸) هم سو نیست و علت این ناهم سویی نیز می تواند فاصله زمانی این

بررسی ها با پژوهش حاضر و تغییر و دگرگونی های جهانی در این مرحله زمانی باشد. در حدود ۴۷ درصد از واریانس مهارت های شغلی دانشجویان و دانش آموختگان؛ و در حدود ۱۷ درصد از واریانس انتظارهای شغلی دانشجویان و دانش آموختگان از طریق بررسی متغیرهای پیش بین قابل تبیین است. نگرش تحصیلی بهترین پیش بینی کننده مهارت های شغلی و انتظارهای شغلی دانشجویان و دانش آموختگان است. به میزانی که دانشجویان و دانش آموختگان رشته کشاورزی، نسبت به رشته تحصیلی خود دید مثبت تری داشته باشند، امید آنان برای ورود به بازار کار و اشتغال بهبود می یابد و بیش تر می شود. هنگامی که دانشجویان و دانش آموختگان نسبت به توانایی کسب شده از رشته تحصیلی و آموزش های ارائه شده در دانشگاه، نگرش مطلوبی داشته باشند، با اعتماد به نفس بالایی وارد بازار کار در جامعه می شوند و شانس اشتغال آنان نیز بالا می رود. این یافته با نتایج پژوهش های مقدم (۱۳۹۲)، دهقان و سوهانی دربان و فکری (۱۳۹۰)، اکبری و همکاران (۱۳۸۸)، ولیگامیج (۲۰۰۹)، نورتون (۲۰۰۸) هم سو و در یک راستا است؛ همه پژوهش های بالا، ادراک و نگرش افراد را از جمله عامل های بنیادین مرتبط با توسعه مهارت های شغلی می دانستند.

بین ادراک از درس های نظری و مهارت های شغلی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. مدیران و برنامه ریزان آموزشی دانشگاه ها باید به چگونگی ارائه درس های نظری در دانشگاه و روش های مختلفی بهبود ادراک دانشجویان از مهارت های شغلی، توجه ویژه ای داشته



را به‌وسیله درس‌های عملی در کلاس درس پیاده‌سازی کرد می‌توان به‌بالا بردن میزان شناخت دانشجویان از مهارت‌های شغلی موردنظر، در نظر گرفتن فرصت‌هایی مانند بازدید از مهارت‌های شغلی واقعی در بازار کار، ایجاد فرصت کارورزی و کارآموزی، توجه بیش‌تر به فرصت‌های شغلی موجود در دانشگاه و توسعه کشتزارهای موجود در آن و در نهایت طراحی اقدام‌هایی برای توسعه و بهبود ارتباط دانشگاه با صنعت، اشاره کرد. نتایج این پرسش همسو با نتایج پژوهش‌های مقدم (۱۳۹۲)، دهقان و سوهانی‌دربان و فکری (۱۳۹۰)، سعیدی‌رضوانی و همکاران (۱۳۸۹)، محمدزاده نصرآبادی و همکاران (۱۳۸۵) و نورتون (۲۰۰۸) است. همگی اذعان دارند که کاربردی شدن رشته‌ها و سرفصل‌های درس‌های دانشگاهی و همچنین کاردانشجویی که به منظور ارتقاء مهارت‌های شغلی صورت می‌گیرد، باعث افزایش اشتغال و کاهش بیکاری می‌شوند. بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان در زمینه درس‌های نظری و نگرش تحصیلی آنان همبستگی بالایی وجود داشت (در حدود ۰/۶۵)، به این معنا که هر چه ادراک دانشجویان و دانشجوین نسبت به درس‌های نظری رشته خود مثبت‌تر باشد به همان میزان نیز نگرش آنان نسبت به تحصیل و رشته تحصیلی خود مثبت‌تر خواهد بود. همبستگی نزدیک به متوسطی بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به درس‌های نظری و انتظارهای شغلی آنان وجود دارد. آشنایی دانشجویان و نوع ادراک آنان از درس‌های نظری نیز مانند درس‌های عملی نقش مؤثری در نوع نگرش آنان به تحصیل دارد. به‌منظور پرورش و تقویت نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به رشته تحصیلی، مسئولان مربوطه و افرادی که در زمینه آموزش عالی فعالیت دارند، باید به درس‌های نظری و نوع محتوایی که در آنان به دانشجویان عرضه می‌شود حساسیت زیادی به خرج دهند. درس‌های نظری و محتوای آنها که همواره

باشند. مرتبط بودن درس‌های نظری ارائه شده با مهارت‌های شغلی، به‌روز بودن این درس‌های، استفاده از شیوه‌ها و روش‌های تدریس متناسب با مهارت‌های شغلی مورد نظر مانند روش تدریس یادگیری مبتنی بر مسئله، استفاده از فناوری‌های آموزشی مناسب و تدوین طرح درس به منظور پیوند و هماهنگی بین درس‌های نظری و مهارت‌های شغلی از این موارد هستند. با توجه به این که درس‌های نظری همواره مبنای پایه اصلی دانش مورد نیاز برای مهارت‌های شغلی هستند، نوع ارائه این درس‌های و فراهم‌سازی شرایط مورد نیاز برای روشن ساختن ارتباط موجود بین این درس‌ها و مهارت‌های شغلی مورد نظر می‌تواند در جهت بهبود درک دانشجویان و دانش‌آموختگان در این رابطه مؤثر باشد. این یافته همسو با نتایج پژوهش نورتون (۲۰۰۸) و مقدم (۱۳۹۲) است به این ترتیب که تدریس خوب، ساختار و محتوای مناسب دوره‌های آموزشی، برنامه درسی مرتبط و امکانات خوب دوره تحصیلی باعث درک و نگرش مثبت‌تر دانشجویان نسبت به برنامه درسی و درس‌های نظری رشته تحصیلی خواهد شد و ادراک مثبت ایشان نسبت به درس‌های نظری باعث دریافت بهتر درس‌ها و رشد بهتر مهارت‌های شغلی شده و در نتیجه شانس اشتغال آنان افزایش خواهد یافت.

رابطه مثبت و معناداری میان نگرش نسبت به درس‌های عملی و مهارت‌های شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان وجود دارد. درس‌های عملی با توجه به هماهنگی که با جهان بازار کار و صنعت دارند در زمینه مهارت‌های شغلی عامل مهمی هستند. میزان همانندی موجود بین این دو موقعیت، خود دلیل مهم و قانع‌کننده‌ای برای تأیید نتیجه این پرسش است. توجه به نوع ارائه درس‌های عملی در دانشگاه و کلاس درس نیز عامل مهمی در بهبود مهارت‌های شغلی است، از جمله روش‌ها و اقدام‌هایی که به وسیله آنان مهارت‌های شغلی

سعی در معرفی نظریه‌های جدید آن رشته و به‌طور کلی کاربردهای آن برای جامعه و بازار کار دارد باعث می‌شود که نوعی انتظار شغلی در این افراد شکل گیرد؛ به این معنی که نوعی ادراک مبتنی بر اینکه به محض دانش‌آموخته شدن توانایی جذب در چه شغل‌هایی را خواهند داشت، برای ایشان ایجاد می‌شود.

بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به درس‌های عملی و نگرش تحصیلی و انتظارهای شغلی آنان رابطه‌ای معنادار وجود دارد، البته بنابر نتایج، درس‌های عملی در قیاس با درس‌های نظری، نقش کم‌تری در شکل‌گیری نگرش تحصیلی دارند. شاید علت آن است که به‌طور معمول درس‌های نظری نسبت به درس‌های عملی حاوی اطلاعات و دانش بیش‌تری در زمینه رشته مورد نظر و کاربردهای آن هستند. این نتیجه نشان می‌دهد با وجود اینکه درس‌های نظری و عملی تا حدودی نقش برابری در زمینه ادراک دانش‌آموزان و دانش‌آموختگان دانشکده کشاورزی نسب به مهارت‌های شغلی آنان داشتند ولی در زمینه شکل‌گیری ادراک انتظارهای شغلی، درس‌های نظری نقش بیش‌تری نسبت به درس‌های عملی دارند. بنابراین به‌عنوان یک نتیجه‌گیری کلی به‌نظر می‌رسد که مسئولان مربوطه باید در کنار توجه به محتوای درس‌های عملی به درس‌های نظری توجه خاص داشته باشند.

نتایج این پژوهش نشان داد که نگرش تحصیلی بهتر، ممکن است حاصل آموزش و یادگیری بهتر بوده و می‌تواند بهترین پیش‌بینی‌کننده انتظارهای شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت به هر میزانی که دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی، نسبت به رشته تحصیلی خود دید مثبت‌تری داشته باشند، به همان میزان شانس بیش‌تری برای ورود به بازار کار و اشتغال دارند. بنابراین به نظر می‌رسد، هنگامی که دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت

به توانایی خود که حاصل از رشته تحصیلی و آموزش‌ها و مهارت‌های کسب شده در دانشگاه است، آشنایی مطلوب و نگرش مثبتی داشته باشند، با اعتماد به نفس بالایی وارد جهان بازار کار می‌شوند و متناسب با همین نگرش، مهارت‌های شغلی متناسب و مرتبط نیز در وجود آنان پرورش می‌یابد و شانس اشتغال آنان را افزایش می‌دهد.

این یافته با نتایج پژوهش‌های مقدم (۱۳۹۲)، دهقان و سوهانی دربان و فکری (۱۳۹۰)، اکبری و همکاران (۱۳۸۸)، ولیگامیج (۲۰۰۹)، نورتون (۲۰۰۸) همسو و در یک راستاست؛ به گونه‌ای که در راستای تأیید نتیجه بالا، همه پژوهش‌های بالا ادراک و نگرش دانش‌آموختگان را از جمله عامل‌های بنیادین مرتبط با توسعه مهارت‌های شغلی دانسته‌اند. بین ادراک از درس‌های نظری دانش‌آموزان و دانش‌آموختگان و مهارت‌های شغلی آنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. مسئولان آموزش عالی می‌توانند با توجه به نقش ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان از درس‌های نظری رشته تحصیلی آنان و ارائه راهکارهایی برای بالابردن درک آنان، و در راستای تناسب بین رشته تحصیلی و مهارت‌های شغلی که این افراد در طول تحصیل کسب خواهند کرد گام مهمی بردارند

از محدودیت‌های پژوهش حاضر آن است که نتایج به‌دست آمده مربوط به دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز است و در تعمیم آنان به دیگر رشته‌ها و یا دانشگاه‌های دیگر باید محتاط بود. افزون بر این، این پژوهش یک رویکرد نگرش‌سنج دارد. برای درک بیش‌تر از تأثیر آموزش‌های نظری و عملی در رشد مهارت دانشجویان، شاید لازم باشد از رویکردهای مشاهده‌ای نیز استفاده شود. بنابر نتایج تحقیق، پیشنهاد و تأکید می‌شود به نتایج چنین پژوهش‌هایی در زمینه ساختار و شکل‌گیری انتظارهای شغلی و مهارت‌های شغلی در دانشجویان و دانش‌آموختگان اهمیت زیادی داده شود و در راستای تقویت و شکل‌گیری مهارت‌ها و انتظارهای

شغلی و همچنین بهبود نگرش تحصیلی دانشجویان برنامه‌ریزی‌های جدی‌تری به عمل آید و بازنگری در برنامه‌های درسی و توجه به آموزش‌های مهارتی در اولویت قرار گیرد. به دانشجویان و دانش‌آموختگان نیز پیشنهاد می‌شود که در زمینه یادگیری درس‌های نظری و عملی به‌طور همزمان تلاش نمایند تا علاوه بر مهارت‌های لازم برای اشتغال از عمق دانش کافی و اشراف نظری لازم در زمینه‌های تخصصی خود بهره‌مند شده و بتوانند بین آموخته‌های نظری و عملی خود، پیوند معنادار و سودمندی برقرار کنند.

### سپاسگزاری

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز بوده که با حمایت این دانشگاه به نتیجه رسیده است. بدین وسیله مراتب قدردانی محققان از حمایت‌های مادی و معنوی دانشگاه اعلام می‌گردد.

### منبع‌ها

- آتشک، محمد؛ نوروززاده، رضا؛ قهرمانی، محمد؛ ابوالقاسمی، محمود و فراستخواه، مقصود (۱۳۹۸). واکاوی پیامدها و سازوکارهای جهانی شدن، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال دهم، ۲ (۱۱) پیاپی ۳۸، ۴۷-۳۵
- آقاپور، شهلا؛ موحد محمدی، سید حمید و علم بیگی، امیرر (۱۳۹۳). نقش مهارت‌های کلیدی در شکل‌گیری قابلیت اشتغال دانشجویان، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۷۱، ۵۶-۴۱
- آقادی، سید رسول (۱۳۸۹). چالش‌های اساسی نظام آموزش عالی کشور، همایش چالش‌های مدیریت و رهبری در سازمان‌های ایرانی. اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات اصفهان، ۱۱-۱.
- اکبری، رویا؛ موحدی، رضا؛ کوچکیان، حورا (۱۳۸۸). بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی. پژوهش آموزش ترویج کشاورزی، ۲ (۴) ۱۰۲-۹۱.
- بارانی، شهرزاد؛ علی بیگی، امیرحسین (۱۳۸۸). بررسی وضعیت موجود مهارت‌های آمادگی شغلی در دانش‌آموختگان کشاورزی: مطالعه موردی استان کرمانشاه، سومین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی، مشهد، انجمن ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۱۲-۱.
- باقری‌نژاد، جعفر (۱۳۸۹). رویکرد سیستمی به کیفیت در آموزش عالی در چارچوب نظام نوآوری ملی. نشریه صنعت و دانشگاه، ۳ (۷ و ۸) ۲۳-۱۳.
- براتعلی، مریم؛ یوسفی، علرضا؛ میرشاه جعفری، ابراهیم (۱۳۸۹). زنان، اشتغال و تحصیلات آموزش عالی، مجله آموزش عالی، ۳ (۲) ۱۳۴-۱۲۳.
- بینقی، تقی؛ سعیدی رضوانی، امیرحسین (۱۳۸۶). تأملی بر الگوی مناسب برنامه‌ریزی درسی برای ایجاد اشتغال، اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۱-۱.
- پورآتشی، مهتاب (۱۳۹۷). ارزیابی نقاط قوت و راهکارهای ارتقای اشتغال‌پذیری دانشجویان کشاورزی، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، دوره ۱۰، ویژه‌نامه تابستان، ۳۱-۱۸
- حسینقلی‌زاده، رضوان (۱۳۹۱). الزامات اساسی تعامل دانشگاه - صنعت: با رویکرد مدیریت دانش، فصلنامه آموزش مهندسی ایران، پیاپی ۵۴، ۲۰-۱

حسینی لرگانی، سیده مریم (۱۳۹۸). طراحی الگوی برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی ایران: یک مطالعه کیفی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۵ (۳) ۴۹-۲۷

حکمتی، حسین؛ فیروزآبادی، مجید (۱۳۹۰). بررسی وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان کشاورزی استان کرمان، همایش ملی اشتغال دانش آموختگان بخش کشاورزی و منابع طبیعی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۸-۱.

خسروی پور، بهمن؛ منجمزاده، زهره (۱۳۸۹). بررسی دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی در خصوص عوامل و موانع مؤثر در کارآفرینی و اشتغال دانش آموختگان. فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران. ۴۲ (۱) ۱۱۶-۱۰۵.

دهقان، سهراب؛ سوهانی دربان، علیرضا؛ فکری، لاله (۱۳۹۰). بررسی چالش‌های موجود در جذب فارغ‌التحصیلان رشته کشاورزی در بازار کار. ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی. مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۵-۱.

ده یوری، سحر؛ فرج اله حسینی، سیدجمال و حسینی، سید محمود (۱۳۸۷). بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی رشته های کشاورزی دانشگاه تهران ( پردیس کرج)، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۳۹ (۱) ۱۳۱-۱۲۳

دیبا واجاری، طلعت؛ یمنی دوزی سرخابی، محمد؛ عارفی، محبوبه؛ فردانش، هاشم (۱۳۹۰). مفهوم پردازی الگوهای برنامه ریزی درسی آموزش عالی (تجربیات و دستاوردها)، فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال هشتم، ۲ (۳۰) ۶۲-۴۸.

سعیدی رضوانی، محمود؛ محمدحسینزاده، معصومه؛ باغلی، حسین (۱۳۸۹). سرنوشت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. فصلنامه مطالعات تربیتی و روان شناسی، ۱۱ (۲)، ۸۶-۵۷

شادفر، حوریه؛ لیاقت‌دار، محمدجواد؛ شریف، مصطفی (۱۳۹۰). بررسی میزان انطباق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزشی با نیازهای دانشجویان. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ۱۷ (۴) ۱۴۶-۱۲۳.

شرح شریفی، آریتا (۱۳۹۱). بررسی کارایی و تناسب آموزش‌های ارائه شده در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با نیازهای آموزشی جهت ایجاد و ارتقاء کارآفرینی. ماهنامه مهندسی مدیریت. ۵ (۴۶) ۶۲-۵۳.

شریفی اسدی ملفه، فاطمه؛ خراسانی، اباصلت؛ فتحی واجارگاه، کورش و صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۹۸)، تعیین مؤلفه های اشتغال پذیری دانش آموختگان دانشگاهی با رویکرد آمیخته اکتشافی، دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، ۷ (۱۳) ۵۲-۲۹

شیری، نعمت اله؛ میرک زاده، علی اصغر و زرافشانی، کیومرث (۱۳۹۳). الگوی مفهومی ترویج کارآفرینی در بین دانشجویان نظام آموزش عالی کشاورزی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۱ (۴) ۶۸-۴۹

صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۸۸). جامعه، کار و مشاغل؛ مروری بر مهارت های اشتغال زا در بازار، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران

عالی، مرضیه؛ حسین قلی‌زاده، رضوان (۱۳۸۸). نقد و ارزیابی برنامه درسی رشته علوم تربیتی: گرایش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی. نامه آموزش عالی. ۲ (۸) ۵۲-۳۵.

علمی زهرا؛ جمشیدنژاد، امیر (۱۳۸۶)، اثر آموزش بر رشد اقتصادی ایران در سالهای ۱۳۵۰، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۲۶، ۱۵۴-۱۳۵.

غلامی، حسام الدین و کریمی، حمید (۱۳۹۷). ابهام زدایی واژه شناختی مهارت های اشتغال محور دانش آموختگان بخش کشاورزی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۵ (۳) ۵۰-۳۱

- فراسنتخواه، مقصود (۱۳۸۹). بررسی الگوی تعاملات آموزش‌عالی و دانشگاه با سایر نظام‌های تولید و خدمات. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۷، ۶۴-۴۵.
- فرجی‌ارمکی، اکبر؛ دشتکی، محدثه (۱۳۹۰). دیدگاه اعضای هیات علمی و دانشجویان رشته پزشکی درباره برنامه درسی در مقطع علوم پایه، فصلنامه راهبردهای آموزش، ۴ (۳) ۱۷-۱۱.
- فیض‌پور، محمد علی؛ ده‌موبد، بابک؛ و دهقانپور، محمدرضا (۱۳۹۰). بررسی میزان اثربخشی برنامه‌های مصوب درسی آموزش عالی در بازار کار، اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴، تهران، پژوهشکده سیاستگذاری علم، فناوری و صنعت، ۱۹-۱.
- کارنوی، مارتین (۱۹۹۹). جهانی شدن و اصلاحات آموزشی: آن چه برنامه ریزان باید بدانند، ترجمه: محمد حسن میرزاحمدی و محمدرضا فریدی، انتشارات یسطرون، تهران.
- محمدزاده‌نصرآبادی، مهناز؛ پزشکی‌راد، غلامرضا؛ چیدری، محمد (۱۳۸۵). وضعیت اشتغال، توانمندی شغلی و موفقیت شغلی دانش‌آموختگان آموزشگاه‌های عالی علمی و کاربردی در بخش کشاورزی. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۳۹، ۹۸-۷۹.
- محمدی‌دینانی، منصور؛ و فولادی، محمد حسن (۱۳۸۰). بررسی وضعیت دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۹ (۳۴) ۳۴۱-۳۲۷.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سالنامه مرکز آمار ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، چاپ اول، اردیبهشت ۹۷، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۷). سالنامه مرکز آمار ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، چاپ اول، اردیبهشت ۹۹، تهران.
- مقدم، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد گروه علوم تربیتی دانشگاه شهیدچمران اهواز درباره نقش برنامه‌های درسی رشته تحصیلی خود بر رشد مهارت‌های شغلی و شانس اشتغال آنها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- موحدی، رضا (۱۳۹۶). بازدارنده‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۹ (۴۱)، ۹۵-۷۹.
- مهرعلی‌زاده، بداله؛ آرمن، سیدعزیز (۱۳۸۶). بررسی بازار کار دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های دولتی ایران. راهبردهای بازرگانی-دانشور رفتار سابق، ۱ (۲۶) ۸۷-۷۳.
- نصر، احمدرضا؛ نیلی، محمدرضا و اعتمادزاده، هدایت‌الله (۱۳۹۰). رویکردهای نظری و عملی تدوین برنامه‌های درسی در آموزش عالی، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
- نظرزاده زارع، محسن و تادری، ابوالقاسم (۱۳۹۴). آموزش عالی با رویکرد اقتصاد دانایی در تربیت سرمایه انسانی، رهیافت، شماره ۵۸، ۹۷-۸۵.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۷). طرح رصد اشتغال فارغ‌التحصیلان وزارت عتف، معاونت پژوهش و فناوری، تهران، وزارت عتف.
- همتی، فاطمه؛ پزشکی‌راد، غلامرضا؛ چیدری، محمد (۱۳۸۶). بررسی وضعیت شغلی و موفقیت شغلی دانش‌آموختگان مراکز آموزش کشاورزی استان آذربایجان شرقی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۳ (۱)، ۸-۱.

Bidet, s. (2009). *The role of higher education in society: Valuing Higher Education: University of Cape Town Graduate School of Business Waterfront*, Cape Town. <http://www.academia.edu/2389150>

Bureau of labor statistics. u.s. department of labor (2012), *news release, employment projecton*, For release 10:00 a.m. (EST) Wednesday, February Cap.project.index.html

Christie, H. & Munro, M. (2003). The Logic of Loans: Students' perceptions of the costs and benefits of the student loan, *British Journal of Sociology of Education*, 24 (5) 621-636

Dacre Pool, L., Qualter, P., & Sewell, P. (2014). Exploring the factor structure of the Career EDGE employability development profile. *Education+ Training*, 56 (4) 303-313

Eaton, J. S. (2006). *Before the The Secretary of Education's Commission on the Future of Higher Education*. Washington DC, Council for Higher Education Accreditation. <Http://www2.ed.gov/about/bdscomm/list/hidden/future/reports.html>

Garcia Alvarez, J.G., Losada, A.S., Comesana, M.C. (2014). Prospects for Social employment insertion of graduates in pedagogy in the Autonomous community of Galicia. *From the university to labor market, procedia-social and Behavioral Scinces*, 139, 412-418

Gerber, T. P., Schaefer, D., R. (2004) Horizontal Stratification of Higher Education in Russia: Trends, Gender Differences, and Labor Market Outcomes. *Sociology of Education*. 77 (1) 32-59.

Graduate Management Admission Council (2012). *Global Management Education Graduate Survey*. Available at: <http://www.gmac.com>.

Harvey, L. (2001) Defining and Measuring Employability. *Quality in Higher Education*, 7, 97-109. <http://dx.doi.org/10.1080/13538320120059990>

Haveman, R. & Smeeding, T. M. (2006). The Role of Higher Education in Social Mobility, *The Future of Children*, 16 (2) 125-150

Hwang, Y. (2017). What Is the Cause of Graduates' Unemployment? Focus on Individual Concerns and Perspectives, *Journal of Educational Issues*, 3 (2) 1-10

Li, F., Morgan, W. J., Ding, X. (2008). The expansion of higher education, employment and over-education in China. *International Journal of Educational Development*, 28, 687-697

Lin, M. J. (2011). Women's aspirations for graduate education in Taiwan. *International Journal of Educational Development*. 31 (5) 515-523

Marsh, H. W. (2007). Do university teachers become more effective with experience? A multilevel growth model of students' evaluation of teaching over 13 years. *Journal of Educational Psychology*, 99, 775-790. doi:10.1037/0022-0663.99.4.775

Norton, T. (2008) Graduate employment and earnings: are universities meeting student expectations? Unassigned . vol 1, 1-27.

Rowe, A. D., Zegwaard, K. E. (2017). Developing graduate employability skills and attributes: Curriculum enhancement through work-integrated learning, *Asia-Pacific Journal of Cooperative Education*, Special Issue, 18 (2), 87-99

Ouraich,I., Lowenberg-Deboer, J., Soumah, A. & Diallo, D. (2017). Employment Prospects for Agricultural Graduates in Guinea Conakry, *Journal of Agricultural Education and Extension*, 9 (1) 5-13



Robinson, V. M. J. & Timperley, H. S. (2007). The Leadership of the Improvement Teaching and Learning: Lessons from Initiatives with Positive Outcomes for Students, *Australian Journal of Education*, 51(3) 247-262

Sparrow, J.; Tarkowski, K.; Lancaster, N. & Mooney, M. (2009). Evolving knowledge integration and absorptive capacity perspectives upon university-industry interaction within a university. *Education Training*, 51 (8/9,) 648-664.

Speziale, M.T. (2012). Differentiating Higher Education Accountability in the Global Setting: A Comparison between Boston University and University of Bologna, *Precede: Social & Behavioral Sciences*, vol. 47, 1153-1163, ISSN: 1877-0428, doi:10.1016/j.sbspro. 2012.06.794.

Treleaven, L., & Voola, R. (2008). Integrating the development of graduate attributes through constructive alignment. *Journal of Marketing Education*, 30, 160-173. doi:10.1177/ 02734753083193.52

Turker, D. & Selcuk, S. S. (2009). Which factors affect entrepreneurial intention of university students? *Journal of European Industrial Training*, 33 (2) 142- 159

Weligamage, S . S. (2009). Graduates“ Employability Skills: Evidence from Literature Review". *Lecturer, Department of Accountancy, university of kelaniyasr ilank*. 115-125.

**The role of curricula in the development of job skills, job expectations and employment chances  
from the viewpoints of agricultural students and graduates**

**M.akidi, A.parsa, H.elhampour**

Master graduate of Educational sciences & Psychology faculty

Shahid Chamran University of Ahvaz

Associate professor of Educational sciences & Psychology faculty

Shahid Chamran University of Ahvaz

Faculty member of Educational sciences & Psychology faculty

Shahid Chamran University of Ahvaz

**Abstract**

This descriptive (correlational) research was conducted for studying the effects of students and graduates' perceptions to the curriculum of their courses in agriculture field, on their job skills development and their chance for holding a job. 274 present and former students of agriculture field of study in Shahid Chamran University of Ahvaz, were selected by stratified random sampling method. Data were collected by Moghadam questionnaire (2013), and analyzed. Surface validity of questionnaire was confirmed ( $r=.73$ ) and the reliability coefficient (.89) is acceptable. Frequencies showed that over 82 percent of participants were unemployed. The results of regression analysis tell us that Perceptions of schooling and job expectances of participants, predicted over than 46 percent of job skills variances. Positive perceptions to the curricula has significantly positive effect on expectances of their present and future jobs. The correlation between present students and graduates' perceptions of theoretical and practical subjects with their perceptions of job skills development, is significantly positive and improvement of students' perceptions to their courses, improve their hope to holding a job. Relationship between theoretical and practical subjects can improve students' perceptions of curriculum and their university, and as a result, the required skills for holding a job are developed.

**Index terms:** job skills, curriculum, holding a job, job expectances, agriculture.

**Corresponding Author:** a.parsa

**E- mail:** abd.parsa@scu.ac.ir

**Received:** 2020/08/08

**Accepted:** 2020/09/29